

عنوان: "اول موهبت الهیه درعالم انسان دین است."

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- نصوص مبارکه حضرت بهاء الله

۳- لوح مبارک حضرت بهاء الله

۴- قسمتی از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

۵- قسمتی از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۶- اصل کلی حقایق ادیان

۷- ظهور الهی خود را با ظرفیت بشر برای شنیدن پیام الهی وفق می دهد

۸- دین در معنای حقیقی خود

۹- حکایت: کمال انسانیت

۱۰- شور و مشورت

۱۱- برنامه اطفال و نوجوانان

قسمت اجتماعی

۱۲- الفت و پذیرایی

۱۳- مناجات خاتمه

هُوَ اللَّهُ

پاک یزدانا بینائی و شنوا و مقتدری و توانا صیت نبأ عظیم در جمیع اقالیم منتشر و پرتو شمس حقیقت در کلّ آفاق ساطع و باهر، یاران در نهایت روح و ریحان و دوستان منجذب روی آن مه تابان، زبانها به ذکر ت همدم و قلوب به نفحات قدست مستبشردمبدم رویها همه سوی تو و دلها اسیر کوی تو و جگرها تشنه جوی تو ندای اسم اعظمت زلزله در آفاق انداخته و قوت کلمه اتّمت علم بر شرق و غرب افراخته مُقبلان کلّ در نهایت تبّتل و ابتهاال و مؤمنان در کمال تضرّع به ملکوت جمال . پروردگارا کلّ را تأیید فرما و توفیق عطا کن تا سبب آسایش جهان آفرینش گردند و شرق و غرب را آرایش بخشند . سبب الفت و اتّحاد عالم گردند و خادم نوع بشر شوند . جمیع امم را به جان و دل دوست حقیقی گردند و کافّة ادیان رادر نهایت روح و ریحان یار روحانی شوند . ظلمات بیگانگی محو کنند و آواز یگانگی در جهان منتشر فرمایند . خداوندا کلّ را در پناه خویش پناه ده و به الطاف بی پایان شادمان و کامران فرما . توئی مقتدر و توانا و توئی بیننده و شنوا. ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۴۷

هُوَ اللَّهُ

ای خداوند ، روحی در دلها بدم که همدم تو گردند و شوقی در قلوب بینداز که بذکر تو دمساز شوند جانها را شور و ولهی ده و دلها را وجد و طّربی بخش که هر دم روحی تازه یابند و بسروری بی اندازه رسند . ای خداوند مهربان ، یاران را روح و ریحان بخش و تأییدی آسمانی فرما تا تشنگان را سلسبیل هدایت دهند و گمگشتگان را به سبیل عنایت دلالت کنند . توئی مقتدر و توانا و شنونده و بینا ع ع

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۶

دين الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق است

" ای پسران انسان ، دين الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است ، او راسبب و علت نفاق و اختلاف و ضعینه و بغضاء منمائید . اینست راه مستقیم و اس محکم متین . آنچه بر این اساس گذاشته شود حوادث دنیا او را حرکت نهد و طول زمان او را از هم نریزند ... "

دریای دانش ص ۱۷

" دين الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آنرا علت اختلاف و نفاق مکنید سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دين الهی و شریعه ربانی بوده و نمو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی اوست سبب اعظم از برای این عطیه کبری کأس زندگانی بخشد و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیه مبذول دارد. "

اشراقات و چند لوح دیگر ص ۸۰

" مقصود از جمیع آنچه ظاهر شد آنکه گوشها مستعد شود از برای یک کلمه علیا و آن اینست : يا مَلَأَ الارضَ لا تَجْعَلُوا دینَ الله سبباً لِلْبغضاء . و اگر این کلمه در عالم محلّ اخذ نماید کلّ خود را فارغ و مستریح مشاهده نمایند . بگو لعمر الله مذهب الهی و دینش از برای اتحاد و اتفاق آمده نه از برای اختلاف و نفاق. "

آیات الهی جلد ۱ ص ۳۶۹

خواست یزدان از پدیداری فرستادگان دو چیز است

خواست یزدان از پدیداری فرستادگان دو چیز بود نخستین رهانیدن مردمان از تیرگی نادانی و رهنمائی بروشنائی دانائی دویم آسایش ایشان و شناختن و دانستن راههای آن. پیمبران چون پزشکانند که به پرورش گیتی و کسان آن پرداخته‌اند تا به درمان یگانگی، بیماری بیگانگی را چاره نمایند. در کردار و رفتار پزشک جای گفتار نه زیرا که او بر چگونگی کالبد و بیماریهای آن آگاه است و هرگز مرغ بینش مردمان زمین به فراز آسمان دانش او نرسد. پس اگر رفتار امروز پزشک را با گذشته یکسان نبیند، جای گفتار نه چه که هر روز بیمار را روش جداگانه سزاوار و همچنین پیمبران یزدان هرگاه که جهان را به خورشید تابان دانش درخشان نمودند، به هر چه سزاوار آن روز بود مردم را بسوی خداوند یکتا خواندند و آنها را از تیرگی نادانی به روشنائی دانائی راه نمودند. پس باید دیده مردم دانا برراز درون ایشان نگران باشد چه که همگی را خواست یکی بوده و آن، راهنمائی گمگشتگان و آسودگی درماندگان است ... مردمان را بیماری فرا گرفته، بکوشید تا آنها را به آن درمان که ساخته دست توانای پزشک یزدان است رهائی دهید .

منتخباتی از آثار حضرت بهائالله ص ۵۸

۹- حکایت: کمال انسانیت

در روزگاران قدیم مرد کشاورزی بود که صاحب يك انگشتر بود و همه می گفتند این انگشتر نزد هر کس باشد، به کمال انسانیت می رسد . خداوند به مرد کشاورز سه پسر داد و وقتی پسران بزرگ شدند، پدر آن ها از روی آن انگشتر دو تای دیگر دقیقا شبیه اولی درست کرد و به هر کدام از پسرانش یکی از انگشترها را داد. از این به بعد هر کدام از پسرها می گفتند که انگشتر اصلی پیش اوست و همیشه با هم دعوا داشتند بر سر این که انگشتر اصلی که باعث کمال انسانیت می شود، پیش کدام يك از آنهاست؛ تا بالاخره تصمیم گرفتند برای مشخص شدن انگشتر اصلی پیش قاضی بروند.

وقتی شرح ماجرا را برای قاضی گفتند، قاضی گفت : احتمالاً انگشتر اصلی گم شده است ، چون قرار بر این بوده که آن انگشتر پیش هر کس باشد، دارای کمالات انسانی باشد؛ اما شما سه نفر که هیچ فرقی با هم ندارید و مدام مشغول ناسزا گویی به یکدیگر هستید..

اساس ادیان الهی راز اعمال مدعیان دیانت ادراک نتوان نمود .

این معلوم و مبرهن است که اعظم منقبت عالم انسانی اطاعت پروردگار است و شرف و عزتتش در متابعت اوامر و نواهی خداوند یکتا . نورانیت امکان، بدیانت است و ترقی و فوز و سعادت خلق، در متابعت احکام کتب مقدسه الهیه . فی الجمله ملاحظه شود مشهود گردد که در عالم وجود ظاهر او باطناً اعظم اساس متین رصین و اکبر بنیان قویم رزین که محیط بر آفرینش و کافل کمالات معنویّه و صورتیّه و ضابط سعادت و مدنیت هیئت عمومیه بشریه است دیانت است . اگر چه بعضی سبک مغزان که تعمق و تدبّر در اس اساس ادیان الهیه نموده اند و روش بعضی مدعیان کاذبه تدبّر را میزان قرار داده ، کلّ را به آن قیاس نمایند ، از این جهت ادیان را مانع ترقی عموم انگاشته اند بلکه مؤسس نزاع و جدال و مسبب بغض و عداوت کلیّه بین اقوام بشریه شمرده اند . و این قدر ملاحظه نموده اند که اساس ادیان الهی راز اعمال مدعیان دیانت ادراک نتوان نمود . چه که هرامر خیری که در ابداع شبه آن متصوّر نه قابل سوءاستعمال است . مثلاً اگر سراج نورانی در دست جهلای صبیان و نابینایان افتد ، خانه نیفرورد و ظلمت مستولیه زائل نگردد بلکه خانه و خود را هر دو بسوزاند . در این صورت میتوان گفت سراج مذموم است ؟ لا و الله . سراج هادی سبیل و نور دهنده شخص بصیر است لکن ضریر را آفتی است عظیم .

رساله مدنیّه ص ۸۵-۸۴

بهاء الله فرمود تقلید جائز نیست تحری حقیقت باید بشود و دیگر آنکه بهاء الله فرمود علم و دین توأمست از یکدیگر جدا نمیشود دینی که مصدق عقل و علوم و فنون نباشد آن تقلید آباء و اجداد است و اوهامست زیرا علم عبارت از حقیقت است پس باید دین مطابق علم باشد و اگر مطابق نباشد اوهام و باطل است . دین باید سبب الفت و محبت بین بشر شود و قلوب و ارواح را با هم الفت دهد . اگر دین سبب عداوت شود عدمش بهتر از وجود است . و دیگر دین باید سبب وحدت عالم انسانی باشد نه سبب اختلاف . هر دینی که حقست لابد قبائل مختلفه را متحد میکند . دین اگر سبب وحدت عالم انسانی نشود البته نباشد بهتر است . دین باید ازاله تعصب کند ، اگر چنانچه تعصب را زائل نکند ، دین نیست زیرا دین متابعت حقست . پروردگار جمیع خلق را دوست میدارد با جمیع خلق در صلح است . به جمیع خلق مهربانست . ما باید متابعت خدا بکنیم جمیع خلق را دوست داشته باشیم به کل مهربان باشیم پس باید از تعصب جنسی و تعصب وطنی و سیاسی و مذهبی بگذریم و تحری حقیقت کنیم اگر متابعت نفثات روح القدس بکنیم یقین است که رحمت پروردگار و موهبت آمرزگار شامل شود اگر استفاضه از شمس حقیقت کنیم از برای کل نوریم . اگر اقتباس فیض از مرکز بکنیم یقین است از برای کل رحمتیم .

خطابات مبارکه ج ۱ ص ۲۵۱

حضرت ولی محبوب امرالله می فرمایند:

... باید دانست که دین بهائی که حضرت بهاءالله موجد و مصدر آنست، هرگز ادیان سابقه را انکار نمی نماید و هرگز حتی به قدر ذره‌ای از قدر و منزلتشان نمی‌کاهد و یا حقیقتشان را دگرگون نمی‌سازد، بلکه تخفیف مقام انبیاء گذشته و تحقیر حقایق جاودانی تعالیشان را به هر نوع که باشد تقبیح می‌کند. دین بهائی هرگز با جوهر دعوت پیغمبران پیشین مخالفتی ندارد و هرگز نمی‌خواهد اساس ایمان پیروانشان را متزلزل سازد، بلکه مقصد اصلیش آنست که پیروان هر یک از ادیان پیشین از حقایق دین خویش خبری بیشتر گیرند و معرفتی روشنتر یابند. دین بهائی حقائق مکنونه‌اش را به عنوان مجموعه‌ای که در آن تصنعاً بهترین تعالیم عالم را در یکجا جمع کرده باشد، عرضه نمی‌کند و نیز ندایش را با نخوت و غرور به جهان اعلان و ابرام نمی‌نماید. بلکه تعالیمش بر این محور دور می‌زند که حقایق دینی امری نسبی است نه مطلق و آئین یزدانی تجدید پذیر است نه جامد و نهائی، و بیدرنگ اعلان می‌نماید که تمام ادیان اساسشان الهی است، هدفشان واحد است، هر یک مکمل دیگری است، منظور و مقصدشان استمرار دارد و نوع بشر سخت بدان نیازمند است.

نظم جهانی بهایی ص ۷۷

۷- ظهور الهی خود را با ظرفیت بشر برای شنیدن پیام الهی وفق می‌دهد

اگر چه علم مظهر ظهور نامحدود است، اما تعالیمی که به بشر منقل می‌نماید آشکارا در محدوده معینی است. در حقیقت اصل اساسی که در مفهوم ظهور تدریجی وجود دارد درک این مطلب است که کل علم الهی تنها در یک دور منتقل نمی‌شود. هر ظهوری در متن ویژه خود و برای هدف معین خویش تنها بخشی از نمایش و تجسم حقیقت را ارائه می‌دهد. مظهر ظهور با بشر درباره اینکه "ما کجا هستیم" صحبت می‌کند— و بر برخی حقایقی که آنها را می‌دانیم تاکید نموده، ما را از کج فهمی‌ها و نظریاتی که دیگر اعتباری ندارند رها ساخته و حقایقی جدید و ناگوار را بما معرفی می‌کند. حضرت بهاءالله می‌فرمایند که یک زمان "آیات مطابق با معیارهای بشری نازل می‌شود" در حالیکه در وقتی دیگر به گونه‌ای است که ذهن بشری هنوز ادراکی از آن ندارد. ظهور الهی خود را با ظرفیت بشر برای شنیدن پیام الهی وفق داده و مطابق با متن اجتماعی عصری است که در آن ظاهر میشود. این تطابق هم موافق با محدودیتهای بشری و هم تأییدی از پیشرفت بشر است که پذیرش میزان فزاینده‌ای از افراد بشر را در دور هر ظهوری میسر می‌سازد. در پیامی از جانب بیت العدل اعظم آمده است: مظهر الهی (و در رتبه پائینتر، حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی) مفاهیم بی‌شماری را که کل زمینه حیات و فعالیت انسان برای مردمی که دانش فعلیشان و میزان درکشان بسیار پائینتر از آنهاست، در بر می‌گیرد. حضرتش باید حد متوسط زبان بشری را در برابر دانش سنتی و درک فعلی در مستمعین خود که دارای پیش زمینه محدود و اغلب خطاست بکار گیرد تا آنها را به سطحی کاملاً جدید از آگاهی و رفتار ارتقا دهد.

ظهور الهی واقعیت اجتماعی ص ۱۲

دین روح انسانی را از توانایی‌های بالقوه‌ای آگاه می‌سازد که بدون آن، آگاهی بر آنها غیر قابل تصور است. هر چه یک فرد بیشتر بیاموزد که از اشراقات مظهر وحی عصر خود بهره گیرد به همان نسبت سرشتش بیشتر مشحون از صفات الهی خواهد شد. حضرت بهاءالله می‌فرماید: "جمیع ناس در ظلّ تربیت آن آفتاب حقیقت تربیت گردند تا به این مقام و رتبه که در حقایق ایشان مستودع است مشرف و فائز شوند." از آنجایی که از جمله اهداف خَلقِ انسان "اصلاح عالم" و پیشبرد مدنیّت دائم الاتّساع الهیّه بر بسیط زمین است، یکی از نیروهای فوق‌العاده دین آن است که می‌تواند مؤمنین را از قید زمان آزاد سازد و آنان را به فداکاری به خاطر نسل‌های قرون آینده وادارد. در حقیقت چون روح فناپذیر است آگاهی بر هویت حقیقی خود این توانایی را به او می‌دهد که نه تنها در این عالم بلکه در عوالم بعد نیز حتّی به نحوی مستقیم‌تر به این فرایند تحوّل و تکامل خدمت کند. به فرموده صریح حضرت بهاءالله: "اشراقات آن ارواح سبب ترقّیات عالم و مقامات امم است ... هیچ شیء از اشیاء بی سبب و علّت و مبدء موجود نه و سبب اعظم ارواح مجرّده بوده و خواهد بود..."

آثار بهائی بیان می‌دارند که نوع انسان در سیر تکامل زندگی جمعی خود حال پس از عبور از دوران کودکی در آستانه بلوغ جمعی قرار دارد؛ یعنی مرحله‌ای که در آن اصل یگانگی نوع انسان می‌تواند به صورت عملی در بستر یک تمدن جهانی جلوه‌گر شود. در این سیر تکاملی، درک انسان از ماهیت خویش، هدف زندگی، دنیای پیرامونش، روابط و نظام اجتماع و توانائی‌هایش همواره و به تدریج توسعه یافته است. از دیدگاه دیانت بهائی، علم و دین برای انسان دو نظام همپوشان و مکمل دانش جهت ساختن تمدن هستند. همانطور که آگاهی و فهم انسان از بخشی از حقایق هستی در قالب نظامی از دانش که علم نام دارد در طول زمان تکامل می‌یابد، درک ما از حقایق غیرمادی و مفاهیم معنوی که در نظام دانش دین تبلور می‌یابد نیز پیوسته عمیق‌تر و کامل‌تر می‌شود. بنابراین امروز نوع انسان نیازمند فهم جدیدی از دین متناسب با دوران بلوغ بشر است که پاسخگوی پرسش‌های بی‌شماری باشد که روند تکامل اجتماعی و فکری بشر رقم زده است.

حضرت بهاءالله از دین به عنوان «سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان (تمامی مردمان)» یاد می‌کنند و اینکه «دین‌الله و مذهب‌الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق (همبستگی) و محبت و اُلفت (دوستی) عالم است». اما آنچه امروز به نام دین در دنیا شناخته می‌شود و توسط بسیاری از رؤسای مذهبی رواج می‌یابد، در اغلب موارد در تضاد با هدف دین و حقیقت آن است. برداشت‌هایی از دین که آن را معادل با سنت‌پرستی، تحجر و تعصب می‌داند و ایمان را در تضاد با عقلانیت می‌بیند، نه تنها به پیشرفت و ترقی نمی‌انجامد بلکه موجب توجیه و تشویق فرهنگ بیگانگی، تبعیض، ظلم و در نهایت جزم‌اندیشی می‌شود.

برای اینکه دین بتواند همپای علم، نیروی محرکه و پیش‌برنده ساختن تمدن باشد و عامل آرامش و آسایش مردمان گردد، نیازمند حصول شرایطی است. آثار بهائی با تشریح این شرایط مفهوم جدیدی از دین پیش‌روی بشر می‌گذارند. حضرت بهاءالله با ظهور خود تنها مجموعه‌ای از تعالیم جدید ارائه نمی‌دهند، بلکه مفهوم کلی دین را بازسازی می‌نمایند.

حضرت بهاءالله ادیان را به فصل‌های پی در پی کتابی واحد تشبیه می‌کنند؛ کتابی که می‌توان آن را دین الهی نامید. ایشان بیان می‌دارند حقیقت یکی است و در گذر زمان، به تناسب میزان درک و فهم بشریت و نیازهای هر دوره از تاریخ، بخشی از آن توسط ادیان به نوع انسان عرضه شده است. بنابراین دین لازم است پیروانش را تشویق کند که درک خود را از دین و بینش‌هایی که ارائه می‌کند همچون درک از علم و یافته‌هایش رو به رشد و نه مطلق بدانند؛ تکیه بر روشن‌بینی، عقلانیت و حقیقت‌جویی داشته باشد و بر اهمیت جستجوی حقیقت به طور مستقل تأکید کند.

دین در مفهوم جدیدش دانش علمی را به عنوان ارزشمندترین دارایی انسان در نظر می‌گیرد و با پر رنگ نمودن نقش آن در پیشرفت اجتماع و سعادت و رفاه بشر، با تقلید، خرافات و اوهام مبارزه می‌کند. در آثار بهائی بر هماهنگی دین با علم و عقل تا آن‌جا تأکید شده است که حضرت عبدالبهاء توضیح داده‌اند: «اگر دین مخالف علم و عقل باشد ممکن نیست سبب اطمینان قلب شود. چون سبب اطمینان نیست اوهام است. آن را دین نمی‌گویند».

از دیگر شرایطی که آثار بهائی برای دین تعیین می‌کنند این است که دین باید سبب آرامش، آسایش، الفت و محبت در میان مردمان باشد، در غیر این صورت نام دین را نمی‌توان بر آن نهاد. حضرت بهاءالله می‌فرمایند: «ای اهل عالم! مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است؛ او را سبب عداوت (دشمنی) و اختلاف نمایید.» اگر قرار است دین چنین نقشی ایفا کند آن را نمی‌توان به حیطة زندگی شخصی محدود نمود بلکه باید به عنوان منشأ خیر اجتماعی از آن بهره برد.

بخشی از بیانیه بیت العدل اعظم الهی تحت عنوان (دین الهی یکی است)

شور و مشورت

"دین در معنای حقیقی خود اخلاق نیکو ترویج می‌دهد، بردباری، محبت، بخشش و بزرگواری را تقویت می‌کند، توانمندی افراد را برای خدمت به دیگران و فداکاری در راه خیر عموم و رفاه جمعی پرورش می‌دهد. دین حقیقی به افراد می‌آموزد جهان‌بین باشند نه خودبین، از تعصبات دوری نمایند، هیچ‌کس را بیگانه نبینند، در ایجاد یگانگی و اتحاد بین نوع بشر سهیم باشند، در راه رفاه مادی و معنوی همگان کوشش نمایند، تولید، کاربرد و انتشار دانش را در کانون زندگی خود قرار دهند، به اصل عدالت در زندگی شخصی و اجتماعی خود پایبند باشند، مایه سرور و شادی حقیقی شوند و در یک سخن دنیایی جدید بسازند."

با توجه به بیان فوق از بیت العدل اعظم الهی و آنچه در این برنامه مطالعه نمودیم به نظر شما

۱- چگونه است که در عصر ما دین کارکردهای واقعی خود را از دست داده است و به عنوان ابزاری مخرب در جوامع بشری شناخته می‌گردد؟

۲- مفهوم حقیقی دین چیست و چگونه می‌توانیم آن را در عالم متجلی سازیم؟